

دیوان حامز

«اخگر سوزان»

شامل: قسمتی از قصاید، غزلیات، مراثی، مدایح، نصایح، دوبیتی‌ها، رباعیات، مثنوی‌ها که به قلم صمد امیرطوری (طهوری) متخلص به جامز

می‌باشد. ۱۳۰۵ هجری قمری

تألیف: سید محمد علی قزوینی

تصحیح: سید محمد علی قزوینی

چاپ: ۱۳۰۵ هجری قمری

مطبع: ...

توزیع: ...

کتابخانه ملی و دانشگاه تهران

سرشماسه	: امیرطوری، صمد، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان حامز "اخگر سوزان" شامل "شبیعتی" از قصاید، غزلیات، ... / صمد امیرطوری.
مسئخصات نشر	: تهران: صمد امیرطوری، ۱۳۸۶.
مسئخصات ظاهری	: ۵۳۰ ص.
سازک	: 9789640408159
وصف فهرست نویسی	: فا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۲.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ / ۸۳۶۶۹ / PIRV95T
رده بندی دیوبی	: ۸۵۱/۶۲
سءاره کناشناسی ملی	: ۱۰۹۸۰۰۲

کتاب: اخگر سوزان

- تألیف: صمد امیرطوری (طهوری)
 - ویراستار: مؤلف
 - حروفچینی و صفحه آرایی: کبری دستم خان (قاسمی)
 - نوبت چاپ اول: ۱۳۸۶
 - شابک: ۹۷۸۹۶۴۰۴۰۸۱۵۹
 - لیتوگرافی، چاپ و صحافی: جدیت
 - تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 - قیمت: ۷۵۰۰ تومان
 - انتشارات:
 - تلفن پخش:
- همه حقوق طبع محفوظ و در اختیار مؤلف می باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	مصرع اول سروده‌ها
۱	مقدمه	
۳	بنام آنکه همه بود اوست بود نبود... «در توحید و شناخت خداوند»	
۸	مات و مبهوتم که نورم نار و نیرانم کیم... «من کیم»	
۱۲	برخیز ای جنبیه کشت لاحق و سبق... «عید میبخت»	
۱۴	ای در کتاب رکن وجود اولین رقم... «در نعت حضرت محمد (ص)»	
۲۰	ای حبیب حق یار رسول الله «حبیب حق»	
۲۳	به گوش ختم رُسل در غدیز از دادار «غدییر ختم»	
۲۹	ای مقتدای ائمه و ائمه‌المومنین «در مدح علی (ع)»	
۳۲	چو بار عشق شه مدغم «علی هو»	
۴۲	ای در میان دایره نقطه وجود «علی مید آتیش»	
۴۵	ای سر هستی دو جهان در تو منکشف «علی سِر هستی»	
۴۸	ای علی ای که مقتدای منی «مقتدای من علی (ع)»	
۵۳	چو دوران فراق آمد به پایان «علی و دوران فراق»	
۵۷	اندر آن وصل آخرین شب نوش «آخرین شب وصل علی (ع)»	
۵۹	فاطمه تو ای سِر منکشف «حضرت فاطمه (س) سِر منکشف»	
۶۳	یا فاطمه که بعداً منظور داوری «تولد حضرت زهرا (س)»	
۶۷	قولی شنیده‌ام که به بالای منبری «گفتگوی علی (ع) و فاطمه (س)»	
۷۰	این نو گل دمیده ز باغ محمد است «نو گل دمیده (ولادت حضرت امام حسن (ع))»	
۷۵	ماه شعبان به روز سوم بود «ولادت سید العاشقین حضرت امام حسین (ع)»	
۷۹	ای خسروان دهر درت را گدا حسین «در مدح سلطان العاشقین»	
۸۱	صراف عشق گوهر خود را چو ناب کرد «صراف عشق و عهد البیت»	
۸۳	کار حسین فاطمه یا قوم آذرنگ «باران خون روز عاشورا»	
۸۵	شد چو خالی ز گنج یاد شهیش «ندای عهد الست در روز عاشورا»	
۸۶	در حق عباس ارباب خیر «خبر شوشتری مرحوم در مورد قمر بنی هاشم (ع)»	

فهرست مطالب

مصرع اول سروده‌ها	عنوان	صفحه
من به تیغ غمت ای شه سر رami دارم	«بستر خون (زبانحال قمر بنی هاشم به امام حسین (ع))»	۹۶
ملتهب کرده چنان تابش خورشید تنت	«تابش خورشید»	۹۸
ای ماه سینه چاک به بزم عزای شب	«(زبانحال حضرت زینب (س)) به نعلش امام حسین در گودال قتلگاه»	۱۰۰
علی ز آن طره افشان	«(زبانحال زینب کبری به ماه در شب شام غریبان)»	۱۰۱
عاشقی بی محتوامی مانند اگر زینب نبود	«ملک غم (در نعت مقام حضرت زینب (س))»	۱۰۶
در باب عشق بای بلا بای زینب است	«صهای عشق»	۱۰۸
زورگر دون دور خود رازد چو مدت ها گذشت	«دورگردون، وفات حضرت زینب (س))»	۱۱۱
گفتگوی حضرت زینب (س)	«با خویشان در لحظات آخر عمر»	۱۱۱
به زیر خاک نهان پیکری نمود فلک	«وفات حضرت زینب»	۱۱۳
به یاد گوشه زندان و همت پیری	«حضرت موسی ابن جعفر (ع))»	۱۱۵
ای بوسه گاه حور و ملک خاک مقدمت	«بوسه گاه حور و ملک»	۱۱۶
ای شاه طوس ای ز تو بر لامکان مسیر	«در مدح امام هشتم (ع))»	۱۱۸
یا ثامن الحج شه والا تبار طوس	«در مدح حضرت ثامن الحج (ع))»	۱۲۲
ای نگار من ای سرو نازم	«نگار من امام زمان (ع))»	۱۲۶
ساقی بیا بده قلع یک منی شراب	«۱۵ ماه شعبان»	۱۲۹
ای مه سپهر جلال حق	«مه سپهر امام زمان (ع))»	۱۳۱
ای محور زمین و زمان قطب کاف و نون	«مهر ستمدی (امام زمان (ع))»	۱۳۳
نطق ما را دم حمید الاولیاست	«پیر وقت»	۱۳۵
قامت طوبی رهین قذد لجوی حمید است	«پیر طریقت»	۱۳۸
حرفی ز خدا افتاده در بدو رقم	«روح قدسی امام خمینی (ره))»	۱۴۰
ای مهر حق فروغ جمال تو چون دمید	«مهر حق»	۱۴۲
حقیقت ای سفیر ملک حق معنای تو حیدی	«سفیر ملک حقیقت»	۱۴۵
ای مظهر سبحانی وی آیت رحمانی	«مظهر سبحانی»	۱۴۷
آن طوطی شکر شکن و نطق دُرفشان	«تقدیر از فیلسوف معاصر محمد تقی جعفری بعد از وفات»	۱۴۹

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
بگو بزم خائن ایران که ایران جان تبریز است «تبریز قهرمان»	۱۵۳
می که ما گویم آب کوثر است «در تشریح و تعریف می عزقانی»	۱۵۶
زمانه سیله پرست است و سیله را ماند «دفاع از شهریار»	۱۶۲
دست تقدیر چرخ دور زمان «در رثای برادر»	۱۶۵
بیاد صوفی حق چون ابوعلی دقاق «در رثای مصطفی هاشمی طرژمی دوست عزیزم»	۱۶۸
ای خاک تیزه وه چه سعادت فزوده ای «در رثای آقای امیری»	۱۷۳
تیزی زمانه بار دگر در کمان نمود «در وفات آقای شریف شاعر معاصر طریقت»	۱۷۵
خداوند ادلی دارم حزینی «در وفات آقای سید حمید مجذوب امینی»	۱۷۷
از آسمان بلاغت مهی نهان گردید «در وفات حسینی سعدی زمان شاعر معاصر»	۱۷۹
چه نغمه ای بود این باز چرخ سیله سرود «در رثای استاد عابد شاعر معاصر»	۱۸۱
نجست از آن زاهد با آن همه معارج «وصال جانان»	۱۸۵
جام لبست ز چشمه ی کوثر گرفته باج «جام لب»	۱۸۷
وصف حسن رخ توام جانان «حسن رخ»	۱۸۸
دُر عاشقی نوازش معشوق گر بلاست «نوازش معشوق»	۱۹۲
ای مونس دیرینه ام کردی فراموشم چرا «مونس دیرینه ام»	۱۹۶
بس کارها ز دیده نماید نوای شب «نوای شب»	۱۹۷
خطروی تو ملک مظلمات است «خطروی»	۱۹۹
ای سامری ز پرده ی خجست برون مباش «تلاش سامری»	۲۰۰
اندر سر من جز تو هوای دگری نیست «دُر بی قدر»	۲۰۱
آهو نگار و چرده سیه دوست دارمت «مژگان دیده»	۲۰۲
جانا سواد زلف تو مفتون ولایتی است «سواد زلف»	۲۰۴
بسوز گفتمت ای دل که عشق در به در است «عشق و در به دری»	۲۰۵
هر دیده مستعد نظر بر نگار نیست «دیده مستعد»	۲۰۶
مهی ز برج جلال ز رخ نقاب انداخت «مه برج جلال»	۲۰۸

فهرست مطالب

مصرع اول سروده‌ها	عنوان	صفحه
زلفت چو شب دراز و بدین کوتاهی دست «زلف و شب»		۲۰۹
بیار ساقی از آن آب کاتش افروز است «آب آتش افروز»		۲۱۱
چگونه دیده توانم بدارم از رخ دوست «رخ دوست»		۲۱۲
به سیل ابر بهاران کرانه لازم نیست «سیل ابر بهاران»		۲۱۴
جهان زود گذر جاودانه این همه نیست «جهان زود گذر»		۲۱۶
پاراز بشارتی که زمان آلم نماند «زمان آلم»		۲۱۸
یارب ز کوی میکده یاران کجا شدند «کوی میکده»		۲۲۰
به باغ سنبلیل من در شمر نشد که نشد «نهال طالع»		۲۲۱
یک دم غم فراق تو مارا رها نکرد «غم فراق»		۲۲۲
شراب جام دو چشمست چنان خرابم کرد «جام دو چشم»		۲۲۴
به جان دوست حضوری گرم نصیب آید «به جان دوست»		۲۲۵
مارا هوای غنچه گرفتار خار کرد «هوای غنچه»		۲۲۶
صبح امیدم نزد که نزد «صبح امید»		۲۲۸
بسیار دل به عرصه‌ی گردون زمانه کرد «تیر غم»		۲۳۰
به جای پای کسی نه قدم که ره داند «خضر ره»		۲۳۲
ساقیا باز آی و می ده دل خرابی می کند «خرابی دل»		۲۳۳
عمری بشد هوای تو از سر بیرون نشد «غم عشق»		۲۳۴
زلف تو گرچه قصه‌ی هجران دراز کرد «قصه‌ی هجران»		۲۳۵
بیاقی بده ز باده جامی که جم ندارد «باده‌ی جام»		۲۳۷
صوفی که دلق خویش به سودا حواله کرد «دلق صوفی»		۲۳۹
ز بهر مردم دنیا و بی رعایت چند «مردم دنیا»		۲۴۱
بر سوی او هزاران تیر از دو چشم جان شد «تیر دو چشم»		۲۴۳
در شب واقعه ماهی به سحرگاه آمد «آفتاب سحر»		۲۴۵
عاشق روی نگارم که صفای داد «روی نگار»		۲۴۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	مصرع اول سروده‌ها
۲۴۸	مقیم میکده، زندان می‌گساراند «مقیم میکده»	
۲۴۹	تا غم عشق تو را خط جبین یارم کرد «خط جبین»	
۲۵۰	چو دنیا را دنائت پیشه گردید «قطعه در دنائت دنیا»	
۲۵۱	به خاک پیکرم آن دم که استحال شود «خاک پیکرم»	
۲۵۳	گوشم شبی ز هاتف غیبی نداشت سید «هاتف غیبی»	
۲۵۴	روزگاری مطلب دست تو دامن ندهد «روزگاری مطلب»	
۲۵۵	در داکه صتم پرده ز رخ وانمی‌کند «صتم»	
۲۵۶	پیر ما در نظرش صنع مسیحا دارد «پیر ما»	
۲۵۸	من سعی کردم در طلب هجران دل افزوده شد «سعی در طلب»	
۲۵۹	ساقی دلم گرفته ز دی جام می یار «ساقی»	
۲۶۱	بود پیمان من این بادل زارم همه عمر «پیمان دل»	
۲۶۳	باقی اندر چمن از قصه‌ی جانسوز هنوز «قصه جانسوز»	
۲۶۴	دارم از دل شکایتی که مپرس «شکایت دل»	
۲۶۵	مفتون عشق یارم و حسن ملاحظش «مفتون عشق»	
۲۶۶	به صنع شعر بخواهی شوی اگر متصنع «در صناعت شعر»	
۲۶۷	مرا به گوشه‌ی میخانه جام یاده‌ی صاف «گوشه‌ی میخانه»	
۲۶۹	تا سرشوریده‌ام شد پی فرمان عشق «سرشوریده»	
۲۷۱	غوغا بود ولایت پر ابتلای عشق «ابتلای عشق»	
۲۷۳	از آن زمان که نهادم به خاک پای تو دل «مراد خواسته»	
۲۷۵	منم که همچو هما پر به سیر به گشادم «پرهما»	
۲۷۶	این لاله‌ها ز خون شهیدان حکایتیست «ترانه‌ی لاله‌های خونین شهیدان»	
۲۷۷	تا جوابی ندهی بر من و تا ورده‌ای دم «اقلیم فراق»	
۲۷۸	قتیل عشق توام حسن رویت آئینم «قتیل عشق»	
۲۸۰	ای نور و شنایی کاشانه دخترم «نور کاشانه»	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	مصرع اول سروده‌ها
۲۸۲	ای به پیری عصای من بپرم «عصای پیری»	
۲۸۴	مرادریاب ای ساقی که از مستان این کویم «مرادریاب ای ساقی»	
۲۸۶	رفتم من از این جهان پی تقدیرم «سنگ مزار»	
۲۸۷	ای صباگو به یار دلبندم «پیام از صبا»	
۲۸۹	ما به مستی ز باده منتسبیم «مستی»	
۲۹۱	ما از سر زلف بت عیار گذشتیم «بُت عیار»	
۲۹۲	از چه رو با من چنین بیگانه گشتی نازنینم «درد جدائی»	
۲۹۴	از درد فراق آن سان رنجورم و دلگیرم «درد فراق»	
۲۹۶	دامن مکش ز من به حق آشنایم «حق آشنایی»	
۲۹۷	یاد باد آن روزگاران روزگاری داشتیم «غنچه لعلی»	
۲۹۹	من از دل باده و پیمانه دارم «پیمانه‌ی دل»	
۳۰۱	من آن مرغ پریشانم به سوی لانه برگشتم «مرغ پریشان»	
۳۰۳	چه شد رویت اگر دیدم که دیدم «رویت روی»	
۳۰۴	ناقه رادرکش عنان ای ساریبان «ترویج جان»	
۳۰۶	بر مریدی نشد مراد چنین «مرید و مراد»	
۳۰۸	گفتم ز کرم گوشه‌ی ما را نظری کن «گوشه‌ی ما»	
۳۰۹	بشنو از من صلاح و پند سخن «سگ و دربان»	
۳۱۰	شد با کدام اخترگردون مسیر من «اخترگردون»	
۳۱۱	کند به حسن رُخت تا نگاه دیده‌ی من «نگاه دیده»	
۳۱۳	ای پیک آشنا برسان بر نگار من «پیک آشنا»	
۳۱۵	گم گشته‌ام ز خود پی گم گشته‌ای چنان «گم گشته»	
۳۱۷	پر می‌زند به اوج تخیل خیال من «اوج تخیل»	
۳۱۹	پنهان ز دیده‌ای و به دل جا گرفته‌ای «پنهان ز دیده»	
۳۲۱	غلام جام می صافم و سلامت می «می صاف»	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	مصرع اول سروده‌ها
۳۲۲	چگونه وصف تو گویم بیا تو بوالحسنی «شمع انجمن»	
۳۲۴	رسم وفاتندار داین روزگار فانی «روزگار فانی»	
۳۲۶	گر عاشقی بنام تو بر من بود گناه «گناه عشق»	
۳۲۸	تابنده تا به چرخ بود قرص مهر و ماه «پیر خانقاه»	
۳۳۰	ز یار من نباشد دلبری به «دلبری به»	
۳۳۲	عشق رخ دلداری دیوانه سرم کرده «رخ دلداری»	
۳۳۴	ینا من دون و جهک یا فزادی لیش لساوقی «میشاق عشق»	
۳۳۶	ما را به در میکده عتیار تو کردی «در میکده»	
۳۳۸	دلم گرفته رفیقان ز درد تنهایی «دل گرفته»	
۳۳۹	صبا به کوی نگارم اگر سفر نکنی «کوی نگار»	
۳۴۱	ساقی بیا ز باده بده جام یک منی «جام یک منی»	
۳۴۲	کنون چو بلبل شیدا ز جام لاله که مستی «بلبل شیدا»	
۳۴۴	من داغ به دل ز گلهزاری «داغ به دل»	
۳۴۶	ز بهر شکوه که ما را چنین به خاک زدی «شکسته دلی»	
۳۴۸	مراد رکوی خود حیران تو کردی «حیران کوی خود»	
۳۵۰	دلم خون شد از درد هجران زمانی «درد هجران»	
۳۵۲	ای عشق مرا آخر و یزانه نشین کردی «ویزانه نشین»	
۳۵۴	آمد از عالم علوی به زمین پیغامی «عالم علوی»	
۳۵۶	نوشته اند که یک روز حضرت یحیی گفتگوی حضرت یحیی (ع) با حضرت عیسی (ع)	
۳۵۸	زاهدی بود در زمان قدیم گفتگوی زاهد و سگ	
۳۶۴	دویتی‌ها	
۳۷۱	رباعی‌ها	
۴۰۶	مثنوی‌ها	

مقدمه

حمد و سپاس بیکران یگانه خداوند گاز زمین و آسمان ها را می باشد که
آفرینش را به پیکر نظم آفرید و نیروی اندیشه را در آن جاری و به روح عشق
مُزین فرمود. ...
او که مفهوم توحید و دارای صفات و کمالات نامحدود و شاقی سیمین ساق
دیر خراباتیان و زُرّوه‌ی لایتناهی اجرگه‌ی عارفان است بشر را خلق و حرکت
را به او آموخت تا حقیقت را در همین حرکت دریابد که حقیقت واقعی همین
حرکت است اما او را در شب ظلمانی گم گشته راه که از هر طرف می پوزید جز
بر وحشتش افزوده نمی شود تنها و بی پناه رها نکرد چرا که از رگ کردن به او
نزدیک بوده است همچنان یاری نمود تا بار سنگین امانت محبوب را به دوش
کشد چون زمین و آسمان ها و جن و ملک ندانستند عشق چیست پس خود
ساقی میکده ی دُردنوشان جق و چراغ نیابان تاریک حیرت مطلق بگردید تا
مسافر مرحله ی سفر از خود به خود باشند ...
همچنین ستایش بی پایان بر سرور عالمیان و دلیل خلقت آدمیان و آخرین
مشعل دار و پیام آور وادی حقیقت حضرت محمد مصطفی (ص) بخاتم
پیغمبران و خاندان پاکش باد که بشر را به حضور مقدس احدیت رهنمون شدند
و خودشان شری به بستر خاک کشیدند ...
اکنون آنچه پیش رو دارید مجموعه‌ای از الهامات و تفکرات و تعشقات
درونی طبع اینجانب است که در طول سال های زندگی خاکی خود اندوخته و
ردپایی از آنچه تا به حال دیده و شناخته و حس نموده و در سر پروریده و در
سینه مخزون داشته ام، می باشد.

و اول دفتر را به نام آنکه سر آغاز هر بود و نبود و اول و آخر آفرینش بوده

آغاز و در ادامه به زبان قاصر خویش نسبت به منقبت سرمشق بی نظیر عالم امکان حضرت پیامبر اکرم (ص) و خاندان آن حضرت و بزرگان وادی هدایت و معرفت پرداخته‌ام در این مورد هدفم نه فقط بیان عظمت آنها بوده بلکه مراد ادای دین این حقیر نسبت به آن مقامات بس خطیر هم بوده است. سپس در بخش مراثی از داغ فراق دوستان و همسفران عزیزم که در این سفر کوتاه دنیوی به سینه دارم سخن گفته‌ام چون تحمل غم رثای ایشان برای من به جز از این طریق میسر نبوده و نخواهد بود.

اما از آن جاکه زبان از ذکر نام دوست عاجز است و تنها زبان جادویی عشق است که می‌تواند از جانان سخن بگوید بنابراین ادای این مهم را در قالب غزل که شایسته‌ی این لهجه بوده اختصاص دادم باشد که واژه‌ی گمشده‌ی درون دل از این طریق پیدا شود.

همانا در ادامه‌ی سخن بخش چهارم را با چند اندرزی در قالب مثنوی که از زبان روزگار آموخته بودم نقل نموده به امید اینکه شاید بر دل هشیاری مؤثر و راه گشا باشد.

و نیز قسمتی را به دوبیتی‌ها و رباعیات با خیال ارائه تصویری که از مفاهیم مختلف فلسفی و روایی هستی داشتم قرار دادم تا هیاهوی پرسش‌های بی‌پاسخ را به رواق آرامش و سکوت فراخوانم.

در خاتمه با سپاس فراوان از همسر و فرزندان عزیزم (امیر- مریم- رضا) و همچنین از دوست عزیزم جناب آقای مجید ظهیر که خود ایشان هم صاحب نظر و سخن سنج و دارای قلم بوده و زحمات بی‌شائبه و تشویق و یاری بی‌وقفه همه‌ی اینان بی‌شک بزرگ‌ترین انگیزه و حمایت در به چاپ رسیدن این بضاعت مزجات گردیده کمال تشکر را داشته و از خوانندگان محترم نیز انتظار دارم که با چشم عیب‌پوش به مطالب نگریسته از چشم‌پوشی عیب حتمی دریغ نفرمایند که پای ملخ به پیش سلیمان مقبول افتاد.

و من الله التوفیق سنه‌ی ۱۳۸۶ شمسی

صمد امیرظوری (ظهوری)